

ایران ورژیم حقوقی دریای خزر "پس از فروپاشی شوروی سابق"

مهسایک محمدی

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهیدبهشتی

چکیده

دریای خزر بزرگترین دریاچه بسته جهان است که در یکی از مناطق مهم استراتژیک تولید انرژی دنیا قرار دارد. این دریا با داشتن منابع عظیم نفت و گاز، خطوط ارتباطی و بازرگانی آبی و فرآورده‌های دریایی از اهمیت بسزایی برخوردار است، همچنین به علت ایجاد شرایط زیست محیطی، تعادل اکولوژیکی و حفظ محیط زیست و خلق چشم‌اندازهای زیبای توریستی و طبیعی مناطق اطراف، از نظر مدیریت و مسائل حقوقی برای کشورهای منطقه بسیار مهم است، تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق انعقاد معاهدات چهارگانه ۱۹۲۱، ۱۹۳۱، ۱۹۳۵ و ۱۹۴۰ شوروی چهارچوب حقوقی مستحکم را بین دو کشور ایران و شوروی ایجاد کرده بود که متکی بر اصولی همچون اصل تساوی، اصل انحصار، اصل غیرنظامی بودن دریا، اصل همکاری و... بود. ولی پس از فروپاشی شوروی و مطرح شدن پدیده جان‌نشینی در آن کشور و تشکیل کشورهای جدید ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان، در روابط حقوقی آن مشکلاتی حادث شده و تک‌رویه‌های برخی از این کشورهای تازه استقلال یافته شبهاتی بر وضعیت حقوقی دریای خزر بوجود آورده که می‌تواند پیامدهای سیاسی و اقتصادی نامطلوبی را به همراه داشته باشد.

نگارنده با استفاده از روش تحلیلی و اسنادی ضمن اشاره به وضعیت حقوقی گذشته این دریا، مشکلات بوجود آمده در رژیم حقوقی آنرا پس از فروپاشی شوروی سابق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل حقوقی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که وجود یک رژیم حقوقی معتبر، روشن و مستحکم و مبتنی بر معاهدات نیمه‌این قبلی، ضمن حل مشکلات موجود، حق حاکمیت ایران را نیز استحکام می‌بخشد.

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل ۱۵ کشور جدید که نقطه اوج تحولات جهان در سالهای دهه ۱۹۹۰ بود، نظام حقوقی دریای خزر دچار تزلزل گشت. تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق این دریا جزء آبهای داخلی دو کشور شوروی در شمال و ایران در جنوب محسوب می‌شد و هر یک بر اساس قراردادهای سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ از منابع موجود دریا استفاده می‌کردند، ولی اکنون با تشکیل کشورهای جدیدی چون آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان موضوع تعیین رژیم حقوقی موجود این دریا از جمله مباحث اساسی و مهم در منطقه و صحنه جهان می‌باشد. زیرا اصرار دولتهای تازه استقلال یافته بر پیگیری منافع ملی و نادیده گرفتن منافع همسایگان و نیز مصالح بلندمدت منطقه همواره با ایستادگی دو دولت تاریخی و قدیمی ایران و روسیه مواجه می‌شود. البته عملکرد و نگاه تنگ نظرانه بعضی از دول ساحلی به مسائل دریای خزر آنها را به استفاده ابزاری از حقوق بین‌الملل سوق داده و چه بسا در خصوص تنظیم رژیم حقوقی، بحث‌های حاشیه‌ای تحلیلهای حقوقی را از مسیر

اصلی خود منحرف و دور نماید. باید اذعان داشت که وجود یک رژیم حقوقی معتبر، مستحکم و روشن درباره دریای خزر امری اجتناب‌ناپذیر است زیرا امروزه این مسئله کنجکاوای حقوق‌دانان را برانگیخته و کم‌توجهی به مبانی و اصول حقوقی و بعضاً برداشتهای غیر علمی سبب زیر سؤال رفتن اعتبار رژیم حقوقی موجود و ناکارآمدی آن می‌شود که بعضاً بر حاکمیت ایران و برابری آن در مقابل سایر کشورهای تأثیر نمی‌باشد. مقاله حاضر ضمن استفاده از روشهای تحلیلی، اسنادی و کتابخانه‌ای با تبیین وضعیت سابق، موجود و پاره‌ای مشکلات حادث شده به نتایجی دست یافته و در نهایت راهکارهایی چند ارائه می‌دهد از جمله اینکه اعمال حق حاکمیت برابر ایران در مقابل سایر کشورهای ساحلی مانند سابق باید به رسمیت شناخته شود و نیز اینکه هرگونه اتخاذ تصمیمی درباره وضعیت حقوقی دریای خزر باید حاصل توافق کشورهای ساحلی باشد. البته دیدگاه ایران بخوبی منعکس نشده و دریای خزر دارای یک رژیم حقوقی معتبر و مستحکم است که قابلیت سازگاری و انطباق با شرایط جدید را داراست.

موقعیت و شرایط جغرافیایی و اهمیت دریای خزر

دریای خزر بزرگترین دریاچه بسته جهان است و مساحت آن در حدود ۲۸۰۰۰۰ الی ۴۲۴۰۰۰ کیلومتر مربع با توجه به نوع مقیاس نقشه و نوسانات سطح آب از ۲۶- الی ۲۸- می‌باشد. طول این دریا ۱۲۰۰ تا ۱۲۶۰ کیلومتر و عرض آن بین ۲۰۰ تا ۲۸۰ کیلومتر است. همانطور که در نقشه (۱) دیده می‌شود این دریا دارای دو حوضه در شمال و جنوب آن است. نواحی شمالی این دریا کم عمق بوده ولی عمق متوسط حوضه جنوبی ۳۲۵ متر است و این در شرایطی است که عمیق‌ترین قسمت این دریا در نیمه جنوبی و مجاور ایران واقع است (بدیعی، ۱۳۶۲، ص ۱۳). این دریا از شرق به جمهوری ترکمنستان از شمال به قزاقستان از غرب به آذربایجان، از جنوب به ایران و از شمال غرب به روسیه محدود می‌شود. دریای خزر به نامهای مختلفی نامیده شده که اغلب منتسب به قبایل و اقوام ساکن اطراف آن در طول تاریخ است از جمله کاسپین که به قول استرابوکاسبی ها در سده نخست میلادی در کرانه جنوب باختری آن زندگی می‌کرده‌اند، یا گیلان که در سده قبل از میلاد به مناسبت مجاورت با سرزمین گیلان به این نام نامیده می‌شده و یا دیلم که در سده نهم میلادی بین طبرستان و آذربایجان واقع بوده، همچنین طبرستان که از نام اقوام تور - در سده‌های قبل از میلاد در ارتفاعات شمال استرآباد و مازندران زندگی می‌کرده‌اند گرفته شده است. (بیک محمدی، ۱۳۷۷، ص ۷۵) همچنین یکی دیگر از این نامها خزر است که از نام طایفه‌ای بنام "خزرها" برگرفته شده که در قرن پنجم قبل از میلاد در کرانه جنوبی این دریا زندگی می‌کرده‌اند. (قاسم‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۰۲)

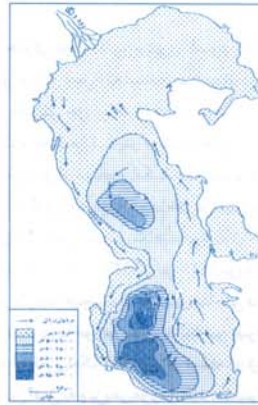
آبهای داخلی ندارند زیرا هدف وضع مقررات بین‌المللی تنظیم و یکنواختی مقررات تمامی کشورهای جامعه جهانی است که این امر با دخالت در امور داخلی کشورها مغایرت دارد و در حیطه چنین مقرراتی نمی‌گنجد. کشورهای ساحلی باید قواعد داخلی‌شان را درباره رژیم حقوقی دریای خزر با همکاری بیشتر و هماهنگ‌تر تنظیم و تعیین کرده و در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر علاوه بر مشارکتی فعال و سازنده راه نفوذ قدرتهای بیگانه را سد نمایند.

تاریخچه مسائل حقوقی

درخصوص سوابق تاریخی موضوع باید گفت براساس معاهدات و موافقت‌نامه‌های متعده در طی قرن بیستم هیچ‌گونه محل تردیدی به اعمال حاکمیت برابر ایران و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) نبوده است. مگر در مورد دو معاهده گلستان و ترکمنچای که امتیازاتی برای همسایه شمالی ایران در نظر گرفته شد. با انعقاد قرارداد گلستان در سال ۱۸۱۳ میلادی دوره جدیدی از حضور ایران و روسیه در دریای کاسپین شروع شد و ایران به عنوان مغلوب جنگ مقداری از سرزمینهای حاشیه دریا را از دست داد و روسیه با تصاحب این سرزمینها حضور خود را بیشتر از قبل تقویت نمود. پانزده سال بعد طی معاهده ترکمنچای بخشی از سرزمینهای ایران به روسیه واگذار شد و هیچ‌یک از این دو معاهده نتوانست محدوده حاکمیت ایران و روسیه را تعیین و مشخص نماید. از آنجا که هیچ‌گونه مرز آبی بین این دو کشور تعیین نشده حاکمیت مشترک به دریای کاسپین واقعتاً یافت. تا سال ۱۹۲۱ چنین وضعیتی بر این دریا حاکم بود و ایران که تا قبل از این تقریباً حاکمیت انحصاری بر دریا اعمال می‌کرد با قرارداد گلستان سلطه انحصاری خود را از دست داد، ولی با این وجود حق کشتیرانی مشترک به کل دریا برای هر دو کشور به رسمیت شناخته شد. (مولایی، ۱۳۸۱، ص ۷) رژیم حقوقی دریای خزر تا پایان حکومت تزارها در روسیه همچنان برطبق شرایط موصوف در فصل ۸ عهدنامه ترکمنچای ادامه داشت تا اینکه با وقوع رویدادهای سیاسی اجتماعی ناشی از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه زمامداران روسی به منظور تحکیم پایه‌های حکومت و حصول اطمینان از عدم نفوذ نیروهای مخالف به لغو قراردادهای استعماری گذشته مبادرت ورزیده و رژیم حقوقی دریای خزر میان دو کشور ایران و روسیه براساس عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به شرح زیر استوار گردید. (احمدی پور، ۱۳۷۵، ص ۴۲)

معاهده مودت ۱۹۲۱

این عهدنامه که با ۲۶ فصل بین ایران و روسیه در مسکو به امضاء رسید در مقایسه با عهدنامه‌های قبلی در زمینه احقاق حقوق از دست رفته ایران نکات مهمی دربرداشت و رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر را درگون کرده و با لغو انحصار کشتیرانی نظامی تعادل و توازن در مناسبات دو کشور ساحلی به وجود آورد. در این معاهده بدون اینکه این دریا به مناطق تحت حاکمیت ملی تقسیم شود، آزادی کشتیرانی هر یک از کشورها در پهنه دریا به رسمیت شناخته شد و به این ترتیب اعمال حاکمیت مشترک و حق تصمیم‌گیری مشترک دو کشور نسبت به سرنوشت دریای خزر به رسمیت شناخته شد.



نقشه (۱)

هم‌اکنون نیز برخی از کشورهای ساحلی این دریاچه را به نام خزر و تعدادی دیگر آن را کاسپین می‌نامند. که در واقع هر دو اسم بیانگر یک واقعت تاریخی است و آن اینکه این دریا متعلق به تمام ملت‌هایی است که در سواحل آن زندگی می‌کنند. در سالهای ۱۹۳۱، ۱۹۳۵، ۱۳۴۰ دریاچه کاسپین دریای ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق خوانده شده است. (مولایی، یوسف، ۱۳۸۱، ص ۷) اهمیت این دریا به دلیل تولید خاویار و ماهی و منابع عظیم هیدروکربوری یعنی نفت و گاز و حمل و نقل و بازرگانی دریایی است (رحمانی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۷) و مسئله رژیم حقوقی آن به ویژه به علت اکتشاف، کاوش و حفاریهای فلات قاره و آلودگی‌های زیست‌محیطی برای کشورهای ساحلی خصوصاً بعد از فروپاشی شوروی سابق از اهمیت زیادی برخوردار است.

رژیم حقوقی دریای خزر

دریای خزر به لحاظ عدم ارتباط طبیعی با اقیانوسها و دریاهای آزاد دریا محسوب نشده لذا رژیم حقوقی حاکم بر آن مشمول کنوانسیون ۱۹۸۲ که حاکم بر کلیه دریاهای آزاد و اقیانوسها می‌باشد نخواهد بود. در خصوص شمول مواد ۱۲۲ و ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که مربوط به وضعیت آبهای بسته یا نیمه بسته است، دیدگاههای متعددی وجود دارد که غالباً حاکی از عدم شمول کنوانسیون ۱۹۸۲ نسبت به دریای خزر می‌باشد. زیرا علاوه بر نحوه ارتباط این دریا با دریاهای آزاد، عدم امکان تقسیم آن به مناطق دریایی معرفی شده در کنوانسیون ۱۹۸۲ یعنی آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره بستر و اعماق دریا و دریاهای آزاد است. (حسن زاده، ۱۳۸۱، ص ۴) لذا از نظر حقوقی دریای خزر به عنوان مجموعه آبی محصور بین چند کشور قلمداد می‌شود که مالکیت آن متعلق به کشورهای ساحلی است. دریای خزر اساساً یک دریای بسته محسوب می‌شود زیرا هیچ‌گونه راه طبیعی به دریاهای آزاد ندارد، بنابراین مطابق قوانین حاکم بر دریاهای بسته رژیم حقوقی آن و دیگر مقررات دریایی مربوط به آن باید توسط خود دول ساحلی تنظیم شود. (مهدوی، ژوئن ۲۰۰۰، روزنامه همشهری) پس بدیهی است که هیچ یک از مقررات و کنوانسیونهای بین‌المللی نظری به تعیین قواعد حقوقی برای

نقشه (۲): دریای مازندران و کشورهای همجوار



قرارداد ۱۹۴۰ و برابری حاکمیت ها

در این قرارداد حق حاکمیت مساوی دول ساحلی و اصل برابری حقوق کشتیرانی در دریای خزر مورد تأکید قرار گرفته و رویه دو دولت آن را تثبیت کرد. و این اصل حتی بعد از ۱۹۹۱ هم مورد تردید واقع نشد. این معاهده با برابری رفتار نسبت به پرچم‌های هر یک از دولتها اعمال حاکمیت مشترک را مورد تأکید قرار می‌دهد. چراکه پرچم هر کشوری نماد حق حاکمیت آن دولت است و اعمال رفتار مساوی در قبال پرچم‌های هر دو کشور در دریای خزر بیانگر این واقعیت است که دو کشور در پهنه آبهای خزر دارای حق حاکمیت برابر هستند. از نکات برجسته این معاهده شناسایی متقابل مجوزهای دریانوردی (کشتیرانی) صادره توسط هر یک از دولتهای ساحلی است. (احمدپور، ۱۳۷۵، ص ۴۶)

برابری حقوق ماهیگیری

به طور کلی ماهیگیری و تولیدات ماهی مثل خاویار در تاریخ مناسبات کشورهای ساحلی دریای خزر بسیار با اهمیت بوده است. معاهده‌های ۱۹۴۰ در کنار معاهده ۱۹۲۱، ۱۹۳۵، ۱۹۳۱، یک کادر حقوقی و کامل را برای ماهیگیری به وجود می‌آورد. بر اساس معاهده مذکور فعالیت شرکت مختلط ایران و روسیه که در سال ۱۹۲۷ تأسیس شده بود به آبهای ماورای منطقه انحصاری ماهیگیری محدود شد. دولت ایران پس از انقضای مدت قرارداد در سال ۱۹۵۳ از تمدید آن خودداری نموده بود. نظام حقوقی ماهیگیری به صورتی که در طول تاریخ مناسبات دو کشور ساحلی شکل یافته و تا به امروز هم ادامه دارد، نظام ویژه‌ای است که مبنای قراردادی داشته و با آنچه که در دریاها بسته و نیمه بسته عمل می‌شود متفاوت است و این امر به نوعی بیانگر حاکمیت مشترک می‌باشد و شیوه تصمیم‌گیری مشترک یکی از برجستگیهای این نظام حقوقی است. به این معنا که مسائل مربوط به دریای خزر با توافق اراده دو دولت ساحلی شکل قانونی یافته و این مدل تصمیم‌گیری حداقل از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۹۲ رعایت شده است و به عنوان مبنایی ثابت و پایدار در نحوه مدیریت دریای خزر مبدل گشته و از چنان استحکامی برخوردار است که با پدیده‌های چون جانشینی منزلزل نمی‌شود.

به طور کلی رژیم حقوقی دریای خزر مبتنی بر اصولی است که عبارتند از:

۱- اصل انحصار: در این اصل - که اسناد مربوط به آن در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ آمده است - دریای خزر به عنوان دریای ایران و روسیه به روی تمامی خارجیان بسته است و تحت مالکیت دو دولت ساحلی قرار دارد، این انحصار هم شامل بهره‌برداری از منابع و امکانات دریا و هم در جهت نفی هرگونه مداخله و تأثیرگذاری قدرتهای غیر ساحلی در تعیین سرنوشت آن است.

۲- اصل تساوی: این اصل ابتدا در معاهده مودت ۱۹۲۱ مورد تأیید قرار گرفته و در قراردادهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۵ و نیز ۱۹۴۰ مورد تأیید قرار گرفت و حکایت از این امر دارد که هیچیک از دولتهای ساحلی دریای خزر از امتیاز ویژه‌ای نسبت به دیگری برخوردار نیستند لذا هر طرف حق دسترسی مساوی نسبت به منافع و امکانات دریا از جمله در زمینه ماهیگیری و کشتیرانی دارد و این اصل به ویژه در مورد اتخاذ تصمیم و حق رأی مساوی مشهود است، در طول دوره جدید مناسبات ایران و همسایه شمالی که از سال ۱۹۲۱ شروع شد مسائل مربوط به دریای خزر با توافق اراده دو دولت ساحلی شکل قانونی به خود گرفته است و پدیده‌های مثل جانشینی نیز نمی‌تواند تزلزل در آن ایجاد کند. پدیده جانشینی شرایطی را فراهم کرده است که اجرای این اصل بنیادین در مورد دولتهای جانشین با نظر گرفتن حقوق جانشینی آنها قابل اجراست. این اصل تساوی را می‌توان در مورد منابع و ذخایری که قبلاً در موردشان تصمیم خاصی اتخاذ شده نیز به مرحله اجرا گذاشت در حال این منابع با جانشینی در دریا به وجود نیامده‌اند و جزئی از وجود دریا محسوب می‌شوند. (مولای، ۱۳۸۱، ص ۷) پس جانشینی اصولاً نمی‌تواند به عنوان پدیده‌های تأثیرگذار در نحوه بهره‌برداری و یا شیوه تصمیم‌گیری نسبت به بهره‌برداری از این ذخایر و منابع تلقی شود. مشروعیت حقوق دولتهای جانشین در حق بهره‌برداری دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق از دریا نرفته است، همچنان که حق ایران نیز یک حق تاریخی است و جانشینی نمی‌تواند تزلزل و تغییری در آن ایجاد کند.

۳- اصل غیرنظامی بودن دریا: در طول مناسبات ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق دریای خزر همواره به عنوان یک منطقه صلح مورد بهره‌برداری قرار گرفته و هیچیک از دو دولت برای مقاصد نظامی و غیر صلح آمیز از آن بهره‌برداری نکرده و امکانات نظامی خود را علیه حاکمیت یکدیگر بکار نگرفته‌اند.

۴- اصل همکاری: از آنجایی که دریای خزر یک منطقه آبی منحصربفرد و مختص به خود است لذا مدیریت این دریا در زمینه‌های مختلف بخصوص حفظ محیط زیست و اکوسیستم آن مستلزم همکاری تنگاتنگ دول ساحلی می‌باشد که دو دولت در طول تاریخ مناسبات جدید به این اصل توجه داشته و دارند.

۵- اصل حسن نیت در مناسبات: دو دولت ساحلی همواره در طول مناسباتشان به این اصل مهم توجه داشته و در انجام مذاکرات، تنظیم معاهدات و حل اختلافات این اصل را به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌المللی که در قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی در سال ۱۹۷۵ مورد تأیید قرار گرفته رعایت کرده‌اند.

۶- اصل حسن همجواری و همزیستی مسالمت آمیز: این اصل نیز

همواره در طول مناسبات دو کشور ساحلی در دریای خزر جایگاه ویژه و نقش ارزنده‌ای داشته است.

۷- اصل حفظ یکپارچگی دریای خزر: در طول مناسبات طرفین هیچ مدركی که حاکی از تقسیم دریای خزر به مناطق دریایی و ایجاد مرز دریایی بین دول ساحلی باشد دریافت نمی‌شود. همیشه این امر دریای خزر را به صورت یک منطقه آبی غیر قابل تقسیم درآورده است و به نظر نمی‌رسد که شرایط ناشی از جانشینی مجاز به تغییر این وضعیت تاریخی باشد و حداقل موضع ایران به عنوان یکی از کشورهای ساحلی هرگز با مسئله جانشینی مرتبط نبوده است لذا ایران می‌تواند با تکیه بر حق تاریخی خود در تعیین سرنوشت دریای خزر که با پدیده جانشینی دگرگون نشده در حکم حق و تو (Veto) است، در مقابل وسوسه‌ها در تقسیم دریا مقاومت کند و بلحاظ حقوق بین‌الملل تصمیمات مغایر با یکپارچگی دریا را از مشروعیت خارج نماید. برخی تلاش داشته‌اند که تردیدهایی در یکپارچگی دریا ایجاد نموده و با توسل به یک خط فرضی، ادعای تعیین مرز دریایی بین دو کشور ساحلی نمایند. دولت جمهوری آذربایجان تنها دولتی است که طی نامه‌ای در سال ۱۹۹۸ به سازمان ملل از این خط فرضی نام برده است. عدم استناد سایر دولتهای ساحلی و بخصوص فدراسیون روسیه به این خط دلیل روشنی بر بی‌اعتباری این خط فرضی است و تاکنون به طور رسمی هیچ سندی که دال بر تأیید ایجاد مرز بین ایران و همسایه شمالیش باشد ارائه نشده است. تحت شرایط حاضر و تا عدم ارائه دلیل قابل بررسی این مطلب صرفاً باید به عنوان یک ادعا تلقی شده و هیچ حقی برای مدعی ایجاد نمی‌کند. مطلب دیگر که ایجاد تردید در یکپارچگی دریای خزر و اعمال حاکمیت مشترک در آن می‌کند، مربوط به موافقت نامه منطقه اطلاعات پروازی است. این موافقت نامه که برد محدودی داشته و صرفاً برای مبادله اطلاعات و همکاریهای فنی مربوط به کنترل پرواز هواپیما بوده است و برای تنظیم نحوه همکاری دولتهای ساحلی با سازمان هواپیمایی غیر نظامی بین‌المللی (Icao) به دلایل فنی و تأمین امنیت پروازها صورت گرفته و اعتبار آن محدود به همکاری فنی در زمینه پروازهاست و هیچیک از دو کشور ساحلی تاکنون ادعایی دایر بر اینکه موافقت نامه فنی اعمال حاکمیت مشترک را تحت تأثیر قرار دهد عنوان نکرده‌اند. (مولایی، ۱۳۸۱، ص ۷)

رژیم حقوقی موجود

همانطور که ذکر شد وجود یک رژیم حقوقی معتبر در دریای خزر کاملاً آشکار و بدون تردید است. این رژیم حقوقی بر بستر تاریخ مناسبات دو کشور ایران و روسیه شکل گرفته و بازتاب نیازها و علایق و ملاحظات زمان خود است. این رژیم حقوقی در معاهدات منعقدۀ شفافیست بیشتری یافته است و خصوصاً در دو معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ پشتیبانی لازم را به دست آورده است که این رژیم مبتنی بر معاهدات مذکور به این معناست که دریای خزر دارای حاکمیتی مشترک است و به جز ده مایل از منطقه انحصاری اقتصادی، خط مرزی دیگری وجود ندارد (Aghai Diaba, Bahman, 2002, Speech in Washington, DC) و دولتهای تازه استقلال یافته نیز به طور طبیعی با این رژیم حقوقی مرتبط بوده و وفاداری ایشان به چنین رژیم حقوقی نشانه علاقه

مندی این کشورها به نظام حقوقی بین‌الملل است. دولتهای تازه استقلال یافته با امضای اعلامیه و موافقت نامه‌های مینسک و آلمانی و اعلام وفاداری نسبت به حقوق و تعهدات دولت اتحاد جماهیر شوروی قابلیت و آمادگی خود را برای ورود به جامعه جهانی و پذیرش الزامات نظام بین‌الملل نشان داده و نیازی به بررسی مسئله جانشینی دولتها در حقوق بین‌الملل نیست. دول جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی مستقل از حقوق جانشینی به نحوی که در حقوق بین‌الملل مطرح است با اعلام اراده و با رضایت خود جانشینی حقوق و تعهدات اتحاد جماهیر شوروی را مورد پذیرش قرار داده‌اند.

با توجه به مفاد سند یعنی اعلامیه آلمانی و نیز پروتکل موافقت با تأسیس جامعه کشورهای مستقل مورخ ۸ دسامبر ۱۹۹۱ و موافقت نامه مینسک در مورد نیروهای استراتژیک مورخ ۳۰ دسامبر، احترام به تعهدات اتحاد جماهیر شوروی توسط دولتهای تازه استقلال یافته مورد تأیید قرار گرفت. باید توجه داشت که درباره رژیم حقوقی دریای خزر دوشویه بر خورد و نگرش اصلی وجود دارد. یکی دیدگاه برخورد ایران و روسیه در سالهای بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق است که همان رژیم حقوقی قبلی دریای خزر می‌باشد که در توافق نامه مودت سال ۱۹۲۱ و قرارداد کشتیرانی ۱۹۴۰ به قوت خود باقی مانده است، اینکه دریای خزر بین کشورهای ساحلی تقسیم شده است و این وضعیت با وجود هرگونه تغییری همچون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باقی خواهد ماند البته این نظر حقوقی با مخالفت کشورهایی مثل آذربایجان و قزاقستان به علت مجاورت ذخایر نفت و گاز روبرو شده است، نگرش دوم مربوط به این کشورهاست که بر تقسیم دریای خزر پافشاری می‌کند (Mahdavi, Maryam, 2002, Legar Regime of Caspian Sea) باید توجه داشت که قابلیت اعمال رژیم حقوقی دریای خزر بر پنج کشور به معنی برهم زدن تعادل و تناسب مناسبات سابق به ضرر ایران نباشد چون ایران ربطی با مسئله جانشینی نداشته لذا حقوق مکاتبه این کشور نباید دستخوش شرایط ناشی از جانشینی قرار گیرد. افزایش تعداد کشورهای ساحلی از دو به پنج کشور دارای حاکمیت مستقل به منزله تقسیم حقوق دو کشور ایران و روسیه به پنج قسمت نیست بلکه کشورهای تازه استقلال یافته تنها جانشین اتحاد جماهیر شوروی (سابق) بوده و از این رو در سازگار کردن رژیم حقوقی دریای خزر باید وضعیت خود را از ایران جدا کرده و هزینه جانشینی به ایران تحمیل نکرده. آنگاه به طور طبیعی جانشین و وارث حقی هستند که اتحاد جماهیر شوروی (سابق) به طور تساوی با ایران در دریای خزر از آن برخوردار بود و این حق اوست که به ۴ قسمت تقسیم شده است. چون دریای خزر یک دریاچه بسته مابین ۵ کشور ساحلی می‌باشد هرگونه تقسیم و تعیین حدود در این دریای بایست بر اساس توافق کشورهای ساحلی و با در نظر گرفتن قوانین بین‌المللی در تعیین رژیم حقوقی و براساس اصل انصاف و عدالت باشد. لذا در چارچوب حقوق بین‌الملل با توجه به طول سواحل تأثیرگذار ایران نسبت به کشورهای همسایه در بخش جنوبی خزر و پیشینه تاریخی ایران و جمعیت و اقتصادا کتین حاشیه جنوبی خزر در ساحل ایران از این دریا براساس اصل انصاف و عدالت طبق قوانین بین‌المللی و سهم ایران طبق

توافق واصل مشاع به نسبت مساوی بین ۵ کشور ساحلی است. پس قبل از هر اقدام و تعیین نحوه همکاری دول جدید در دریای خزر باید روش حقوقی تصمیم گیری معلوم و مشخص شود در غیر این صورت حتی حضور ایران در مذاکرات پنج جانبه ناقض حق حاکمیت ایران بوده و به نوعی می تواند بیانگر اعراض از حق حاکمیت ملی باشد.

نتیجه گیری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ دولتهای جدیدی پایه عرصه وجود نهادند. این کشورها در وضعیت تازه برای دستیابی به منافع خود در دریای خزر سعی در نادیده گرفتن عهدنامه منعقد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ داشته و خواستار نوعی تغییر رژیم حقوقی سابق و تعیین یک رژیم حقوقی جدید می باشند. هر چند سیاستهای فرامنطقه‌ای به ویژه حضور و نفوذ آمریکا در منطقه خزر به منظور کنترل منابع انرژی و تضاد منافع کشورهای حاشیه‌ای با شرکتهای نفتی و کشورهای سرمایه گذار نیز در این زمینه بی تأثیر نمی باشد. باید توجه داشت که استقلال کشورهای جدید ساحلی به منزله تولد دریای خزر تلقی نشود و نباید گمان برد که سرنوشت حقوقی آن باید از حالا تعریف شود و حتی تاریخش از سال ۱۹۹۱ شروع گردد زیرا این برداشت بر این پایه استوار است که هر پنج کشور ساحلی دریا همزمان و یکجا از اتحاد جماهیر شوروی جدا شده و به عنوان کشورهای تازه استقلال یافته از مسئله جانشینی به یک اندازه و به طور مساوی متأثر شده‌اند. در حالی که یکی از این کشورها یعنی ایران به هیچ عنوان مرتبط و یا متأثر از جانشینی نبوده و برخلاف استنباط این کشورها رابطه ایران را باید جداگانه در نظر گرفت. زیرا تا قبل از ۱۹۹۱ ایران و همسایه شمالی به طور مشترک در مورد سرنوشت دریای خزر تصمیم می گرفتند و حاکمیت مشترکی اعمال می کردند و عصاره اعمال حاکمیت در حق رأی و حق تصمیم گیری متجلی می گردد و توافق اراده و حاصل جمع رأی ایران و اتحاد جماهیر شوروی رژیم حقوقی موجود را به وجود آورده است. پیشنهاد نگارنده در جهت هرگونه تغییر در رژیم حقوقی دریای خزر بخاطر این مسئله که ایران یک عضو ثابت بوده و بعد از ۱۹۹۱ تغییر در آن ایجاد نشده است بنابراین وضعیت کاملاً متفاوتی نسبت به چهار کشور ساحلی دریای خزر دارد و این کاملاً منطقی است زیرا مشروعیت حضور ۴ کشور در یک طرف موازنه بخاطر وجود یک کشور بوده و حاصل توافق چهار کشور جانشین با ایران می تواند وضعیت حقوقی حاکم بر دریای خزر را تعریف کند و به نظر می رسد که دیدگاه ایران به درستی منعکس و درک نشده است. با اینکه بارها اعلام کرده که دریای خزر دارای رژیم حقوقی معتبر و قابل انطباق و سازگاری با شرایط جدید است و چنانچه ضرورتی بر تغییر اصلاح، تکمیل و تفسیر وجود داشته باشد برای نحوه انطباق با شرایط جدید اتفاق آرای پنج کشور ساحلی ضروری است. پس باید مهمترین عامل یعنی شیوه تصمیم گیری نیز مورد توجه و دقت قرار گیرد و موقعیت واقعی ایران در تصمیم گیریها مورد لحاظ قرار گرفته و رأی این کشور در حد رأی کشورهای

جانشین تقلیل نیابد و تحمیل رأی اکثریت عددی صورت نگیرد. این در شرایطی است که به لحاظ حقوقی بدون لحاظ کردن رأی ایران هیچ اکثریتی تشکیل نمی شود. باتوجه به تحولات سیاسی که بر محدوده حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی (سابق) تأثیر گذارده باید ایران وزن رأی خود را مانند سابق حفظ کرده و تا زمانی که ایران وضعیت حقوقی جدید را نپذیرفته است کادر حقوقی موجود در خصوص دریای خزر دارای اعتبار بوده و هرگونه اقدامی مغایر اصول، روح و مبانی قراردادهای قبلی فاقد اعتبار به نظر می رسد. پس می تواند مسئولیت بین دولت ناقض تعهدات بین را به دنبال داشته باشد یعنی ایران یک رأی و چهار کشور ساحلی با هم باید یک حق رأی داشته باشند و کشور ما نیز درقبال وضعیت پیش آمده نباید سکوت کرده خصوصاً در مورد استخراج منابع و ذخایر عظیم نفت و گاز و تصمیم گیری در این موارد باید با قاطعیت و مذاکره پیش برود و هرگز نباید سکوت اختیار کند و اینکه رژیم حقوقی فعلی دریای خزر معتبر بوده و به قوت خود باقی است و هرگونه توافق یک یا دوجانبه کشورهای ساحلی هیچگونه ضمانت اجرای حقوقی برای دیگران ایجاد نمی کند. کشورهای ساحلی باید با مساعدت و همکاری صمیمانه و بدور از هرگونه اعمال نفوذ قدرتهای بیگانه وضعیت رژیم حقوقی دریای خزر را تبیین نمایند تا بتوانند در مورد سایر موارد از جمله غیر نظامی ماندن دریا، حفظ محیط زیست آن، کاهش آلودگی، جلوگیری از صید بی رویه منابع بیولوژیکی، تولید و تکثیر آبیان و کنترل نوسان آب دریا مساعدت و اتخاذ تصمیم نمایند. باشد که در جهت حفظ و استفاده بهینه از این نعمت خدادادی کوشا و سربلند باشند.

منابع و مأخذ

- ۱- آقای، بهمین (۱۳۶۶)، رژیم حقوقی دریای مازندران، مجله حقوق، شماره ۸
- ۲- احمدی پور، زهرا، (۱۳۷۵)، ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳
- ۳- بدیعی، ربیع، ۱۳۶۲، جغرافیای مفصل ایران، انتشارات اقبال تهران.
- ۴- بیک محمدی، حسن، ۱۳۷۷، جغرافیای تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۵- چرچیل، رابین، (۱۳۶۷)، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمین آقای، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- ۶- حسن زاده، منصوره، (۱۳۸۱)، تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، (نشریه دادآفرین)، شماره پنجم.
- ۷- قاسم زاده، فرشته، دریاچه یادریای خزر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره یک، بهار ۱۳۷۷.
- ۸- رحمانی، بیژن، بنیادهای جغرافیایی اقتصادی ایران، انتشارات علوی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۹- میهنزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، رژیم حقوقی دریای خزر، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره پنجم و ششم.
- ۱۰- مولایی، یوسف، (۱۳۸۱)، چگونگی اثبات حق حاکمیت ایران در خزر، روزنامه ایران.
- ۱۱- مولایی، یوسف، (۱۳۸۱)، دریای کاسپین و حاکمیت ایران، روزنامه ایران، سال هشتم، شماره ۲۱۰۲.
- ۱۲- مجله حقوق و اجتماع، شماره ۲۳ و ۲۴، شهریور ۱۳۸۰.
- ۱۳- مهدوی، مریم، ۲۰۰۰، رژیم حقوقی دریای خزر و مسئولیت مشترک، روزنامه همشهری، شماره ۸



Iran by using this new released gravity database. He showed that the accuracy of results improve significantly after using mentioned special interpolation technique . As a recommendation , in mountainous and larg countries like Iran it is strongly recommend using arial gravimetry to increase the quality and quantity of data.

Acknowledgments

The author is grateful to Prof. Lars Sjöberg for his constructive discussions and scientific review of this paper.

Refrence

- 1- BGI (1992) BGI Bulletin d' Information Vol 70,71.
- 2- Forsberg, R. (1984) A Study of Terrain Reductions, Density Anomalies and Geophysical Inversion Methods in Gravity Fiels Modelling. Rep 355, Dept Geod Sci, Ohio State Univ, Columbus
- 3- Forsberg, R. (2001) Development of a Nordic cm-geoid-with basics of geoid determination. In: Harsson BG (ed.) Lecture notes for autumn school organised by the Nordic Geodetic Commission. held in Fevik, Norway , 28 Aug. - 2 Sept. 2000, statens kartverk. HØnefoss , Norway.
- 4- Heiskanen, W.A., Moritz, H. (1967) Physical Geodesy . W H Freeman and Co., New York , London and San Francisco.
- 5- Kiamehr, R. (1997) Iranian geoid problem and recommendation , 1997, 4th International Conferences of civil engineering , Sharif University of Technology , Tehran, Iran.
- 6- Kiamehr, R. (2001) Potential of Iranian geoid for GPS / Leveling, National Cartographic Center of Iran Geomatics 80 conferences, Tehran , Iran.
- 7- Kiamehr , R., 2003a, Comparison relative accuracy of EGM96 and Iranian gravimetric geoid, 6Th International conference of Civil Eng., Isfahan University of Technology, Iran.
- 8- Kiamehr, R., 2003b, Discussion about relative accuracy of IFAG geoid, J. Sepehr Iranian National Geography Organization (NGO), 42: 13-18.
- 9- Kiamehr, R., 2004, The Relative Accuracies of Recent Satellite Gravimetric Models in Iran, IAG International Symposium Gravity, Geoid and Space Missions - GGSM2004, Porto , Portugal.
- 10- Kiamehr, R. and Sjöberg LE (2004) The qualities of Iranian gravimetric geoid models versus recent gravity field missions. Submitted J. Studia Geophysica et Geodaetica.
- 11- Kiamehr, R. and Sjöberg, L.E.(2005) Effect of the SRTM global DEM in the determination of a high-resolution geoid model of Iran , Submitted J.Geodesy.
- 12- Kiamehr, R. (2005) Hybrid precise gravimetric geoid model for Iran based on recent GRACE and SRTM data and the Least Squares Modification of Stoke Formula, submitted to J.Geodesy.
- 13- Lemoine , F.G., Kenyon , S.C., Factor , J.K., Trimmer R.G., Pavlis, N.K., Chinn, D.S., Cox C.M., Klosko, S.B., Luthcke, S.B., Torrence , M.H., Wang Y.M., Williamson , R.G., Pavlis, E.C., Rapp, R.H., Olson, T.R. (1998) The Development of the Joint NASA GSFC and NIMA Geopotential Model EGM96. NASA Goddard Space Flight Center , Greenbelt , Maryland, 20771 USA.
- 14- Moritz, H. (1992) Geodetic Reference System 1980, Bull Geod , 66: 187 - 192.
- 15- Sandwell, D.T., Smith, W.H.F (1997) Marine gravity anomaly from Geosat and ERS 1 satellite altimetry , Journal of Geophysical Research , v. 102, No. B5 , p. 10039-10054.
- 16- Sjöberg , L.E. (2003) A solution to the downward continuation effect on the geoid determined by Sroke's formula. J Geod 77: 94-100.
- 17- Tscherning , C.C., Rapp, R.H. (1974) Closed Co variance Expressions for Gravity Anomalies , Geoid Undulations, and Deflections of the Vertical Implied by Anomaly Degree - Variance Models. Rep of the Dept of Geodetic Sci and Surv No 208 The Ohio State Univ, Columbus, Ohio.
- 18- Vermeer, M. (1995) Mass point geopotential modelling using fast spectral techniques ; historical overview , toolbox description, numerical experiment, manuscripta geodaetica, 20: 362-378.
- 19- Agren, J. (2004) Regional geoid determination methods for the era of satellite gravimetry , Ph.D. thesis , Royal Institute of Technology, Stockholm, Sweden.